

# مالک و زارع در ایران

## سیری در مسئله مالکیت زمین در تاریخ ایران

فصل دهم، آبیاری  
فصل یازدهم، اوقاف  
فصل دوازدهم، خالصه  
فصل سیزدهم، عمده مالکان  
فصل چهاردهم، خرده مالکان و دیگر مالکان جزء  
فصل پانزدهم، مناطق عشایری  
فصل شانزدهم، زارع سهم‌بر و امنیت او از نظر  
زمین‌داری و زراعت  
فصل هفدهم، طرز تقسیم محصول و میزان مال  
الاجاره‌ها

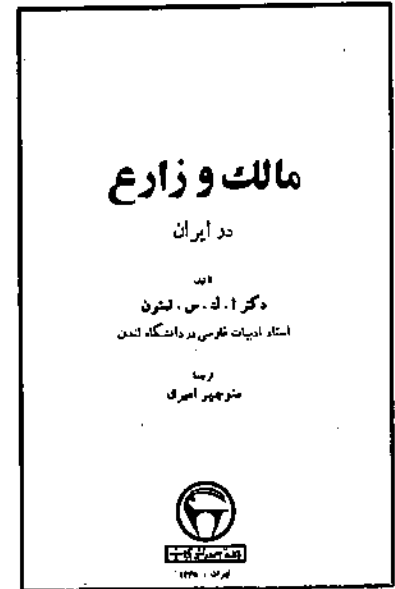
فصل هجدهم، خدمات آبیاری و عوارض  
فصل نوزدهم، پرداخت مزد خدمتگزاران محلی  
فصل بیستم، گله‌ها و چراگاه‌ها  
فصل بیست و یکم، مسائل و مشکلات زارع  
فصل بیست و دوم، مسائل و مشکلات زارع واحدها و  
سطح زندگانی  
فصل بیست و سوم، آینده  
فهرست کتابهای خطی فارسی  
فهرست کتابهای خارجی  
فهرست لغات و اصطلاحات  
فهرست نام مکانها  
فهرست نام کسان و خاندانها و ادیان

در بخش نخست، تاریخ زمینداری و اداره درآمد‌های اراضی و املاک در ایران از صدر اسلام تا اعطای مشروطیت مورد بحث قرار می‌گیرد. در نخستین فرز، نویسنده محترم منشاء تاریخی مهاجرت ایرانیان، برخورد اقوام بیابانگرد با اقوام یکجانشین و اختلاف میان آنان، جامعه پدرسالار مبتنی بر اساس خانواده، ده، قبیله، کشور، را معرفی می‌نماید و در ادامه می‌نویسد، به تدریج که کشاورزی توسعه می‌یافت و زمین‌های بکر بدست می‌آمد بعضی خاندانها مقادیر معتدبیهی از زمین را به تملکیت خود در می‌آوردند و رفته رفته از میان آنان رهبرانی برخاستند که منشاء قدرت و نفوذشان دو چیز بود، یکی قبایلی که بدان منسوب بودند، دیگر، اراضی ملکی آنان. این عده در زمان هخامنشیان تأثیر مهمی در اوضاع و احوال کشور داشتند. در این فرز قوانین همورابی، بعنوان پایه و اساس بهره‌برداری از زمین در دوره آن دوره مورد استناد قرار می‌گیرد و در ادامه می‌نویسد، شاهنشاه ایران به صورت رئیس مملکت تجلی می‌کرد و شهریاران، بعنوان حکام محلی جانشین روسای قبایل شدند. شهریاران رئیس دستگاه اداری شهرستان خود بودند و به جمع خراج و نظارت در کار مأموران محلی و عشایر و شهرهای تابع خویش می‌پرداختند و بزرگترین قضای ولایت به شمار می‌رفتند از طرفی هر فرد ایرانی که قادر به حمل سلاح بود مکلف بود که خدمت کند. عمده مالکان سواره و دیگران پیاده در ارتش خدمت میکردند مردمان مستطیمی که شخصاً حاجب به کشت زمین نداشتند موظف بودند در دربار حضور یابند، گر اینان دارای فرزندان شایسته بودند به آنان صاحب عالی اعطا

از جمله مسائلی که در تاریخ ایران همواره مورد توجه بوده روابط مالک و رعیت و مبحث زمینداری است. در دوران معاصر در پی تحولاتی که در جامعه ایران رخ نمود مسئله مالکیت زمین و نظام ارباب رعیتی نیز دستخوش تغییرات بسیار شد. برای مدتی طولانی در دوره حکومت پهلوی بزرگ مالکی مسئله‌ای حساس و قابل توجه به شمار آمد و طرحهای متعددی در مورد آن اجرا شد. در چنین دورانی خانم سمیتون محقق انگلیسی که سالیانی را در ایران بسر بوده بود اقدام به تحقیقی عمومی درباره روابط مالک و زارع در تاریخ ایران نمود که از هنگام انتشار تاکنون بعنوان کتابی قابل توجه درین باره مورد استفاده و مراجعه محققان بوده است. از خانم سمیتون آمار متعددی درباره ایران به چاپ رسیده است و آخرین اثری که به فارسی برگردانده شد تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران بود. با این وجود هیچ کدام اشتهار کتاب مالک و زارع را نیافت. این هم به دلیل محتوای کتاب و هم انطباق موضوع آن با تحولات تاریخ معاصر ایران بود. نظر به ارزش تحقیقی کتاب اینجا به معرفی آن اقدام می‌شود.

نقد و بررسی کتاب مالک و زارع در ایران  
کتاب مالک و زارع در ایران نوشته دکتر ا. ک. س. لمپتون، ترجمه آقای دکتر منوچهر امیری توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سه هزار نسخه در تهران به سال ۱۳۴۵ در ۸۲۵ صفحه بزیور چاپ آراسته گردیده است. کتاب شامل فهرست مطالب، مقدمه مترجم، دیباچه مؤلف، منابع تحقیق، پیشگفتار و از دو بخش شامل بیست و سه فصل و ضمائم بشرح زیر می‌باشد.

بخش نخست  
فصل نخست: منشا تاریخی، استیلای عرب  
فصل دوم، اداره کردن درآمد‌های مملکتی  
فصل سوم، سلجوقیان و روش اعطای اقطاع  
فصل چهارم، مغول و دست برداشتن آنان از سنت  
فصل پنجم، صفویه و نشو و نماي حکومت  
فصل ششم، افشاریه یا برزخ میان دو سلسله، ظهور قاجاریه  
فصل هفتم، نیمه دوم قرن نوزدهم، طلیمه اصلاحات  
بخش دوم  
فصل هشتم، دوره مشروطیت و روی کار آمدن رضا خان  
فصل نهم، قانون مدنی



عزت‌الله نوبری

می‌کردند و غالباً بعنوان پاداش، زمین می‌بخشیدند. از این گذشته پیوسته عده‌ای از ایرانیان را بولایات می‌فرستادند تا در آنجا اقامت کنند و بدین منظور با آنان زمین اعطا می‌کردند. این مهاجران هسته اصلی قوای نظامی شهرستانها و همچنین شورای ایرانیان که بدان اشاره رفت خاندان شهربانان را تشکیل می‌دادند. نویسنده اثرات بخش مهاجرت را یکی از خصایص بارز تشکیلات دولت هخامنشی معرفی می‌نماید و در ادامه حکومت سلوکیان را ادامه دهنده راه هخامنشیان می‌داند و معتقد است که تنها پس از روی کار آمدن حکومت اشکانیان است که قبایل بیابان کروسکاتی، طبقه حاکم را تشکیل دادند و اصول ملوک الطوائفی پیش از اسلام به منتهی درجه تکامل خود رسید، سکاها، دارای املاک و اراضی وسیع بودند و شورای سلطنتی از آنان تشکیل می‌شد. نویسنده سپس، چگونگی انتقال خصایص عمده روش ملوک الطوائفی اشکانیان به سلسله ساسانیان (۲۲۶ میلادی) را می‌آورد، هر چند که نویسنده معتقد است اطلاع دقیق درباره روش فئودالی در دوره ساسانیان در دست نیست و تازه مالیات ارضی، نرخهای مالیاتی، برحسب نوع کشت، جنس محصول، مساحت زمین در دوره‌های مختلف این حکومت متفاوت صورت می‌گرفته است. نویسنده برای این مدعا، شواهدی را از روزگار قباد و اردشیر، می‌آورد.

در ادامه این مبحث ورود اسلام به ایران و تأثیرات عمیق آن بر مالکیت و زمین‌داری و توسعه آن مورد بحث قرار می‌گیرد، نویسنده سابقه نظامی اقطاعی (زمین‌داری بزرگ) را در دوران اسلامی و یا بقولی از عهد خلفا می‌داند و در ادامه می‌نویسد: در دوره اسلامی اراضی بایر و یا با تالاقها به کسانی که آنها را آباد می‌کردند بعنوان ملک و به طریق موروثی داده می‌شد. این املاک را اقطاع التملیک<sup>۱</sup> می‌نامیدند، علاوه بر این، نوع دیگری از اقطاع نیز وجود داشت که به نام اقطاع «استقلال»<sup>۲</sup> می‌خواندند و در کشورهای فتح شده به سربازان و سرداران و خدمتگزاران خاص داده می‌شد. منظور از این اقطاعات تهیه درآمد برای برگزیدگان جامعه اسلامی و در عین حال حفظ حاکمیت قوم فاتح بر ملل مغلوب بوسیله این طبقه بوده است. از قرن سوم به بعد اراضی اقطاعی، نسبت به اراضی دیوانی گسترش بیشتری یافت و باعث گردید که نوعی دگرگونی در ترتیب طبقه حاکمه رخ دهد. به نظر می‌رسد بدین ترتیب است که مسلمانان عرب مشاغل عالیه دولت را از دست دادند و در مقابل نمایندگان اشراف ایرانی و مالکان اراضی (دهقانی) در کنار اعراب مشاغل نظامی و اداری را اشغال نمودند. به عنوان مثال، برامکه<sup>۳</sup> ایرانی‌نسب، در دولت آل عباس از آنچنان نفوذی برخوردار بودند که وزرا و والیان و دبیران دیوانی و مأموران عالی رتبه از میان آنان برگزیده می‌شوند. از این گونه مثال‌ها می‌توان خاندان سهل و نوبختی را نیز آورد در فراز دیگر نویسنده روند تاریخی نظام اقطاعی را در حکومت‌های محلی و چگونگی بقدرت رسیدن آنان

می‌آورد و می‌نویسد در زمان آل بویه واگذاری اقطاع هر چه بیشتر گسترش پیدا کرد و اقطاع در این دوره عبارت بود از اینکه پادشاه حق داشت محصول اضافی<sup>۴</sup> بدون احراز مالکیت در هر زمین، به کارگزاران و مأموران خود واگذار کند. به نظر می‌رسد این نکته حائز اهمیت است که یادآور شویم با افزایش قدرت سیاسی و نظامی، این اقطاع داران قدرت مرکزی خلافت را بشدت متزلزل نموده و با تجزیه دولت عباسی و هرج و مرجی که در امر وصول خراج پیش می‌آمد بسیاری از امرا و فرماندهان، اراضی کشاورزی را به نام اقطاعات تصرف کردند و خراج آنها هم نمی‌پرداختند. این تمایلات استقلال طلبانه امرای محلی و خاندانهای قدیمی و عدم اطاعت آنها از مرکز، باعث شد که دولت مرکزی نتواند حاکمیت تام و تمام خود را حفظ کند و مقصود خود را عملی نماید که چنانکه در خراسان ظاهران امارت خویش «را به نوعی سلطنت مستقل و موروثی تبدیل نمودند، یا سامانیان، به علت اینکه برای جلوگیری از شورشها و قیامها در نقاط مختلف قلمروشان، منتقدین محلی را به حکومت می‌گماردند.

پس از چندی خود علم استقلال بر می‌افراشتند. ولایاتی چون خوارزم، چغانیان، ختلان، اسپبجاب، رسماً جزو قلمرو حکومت سامانی بودند ولی این حکام (اقطاع دار) با استقلال حکومت می‌راندند و با وجود غلامان ترک در سپاه سامانی، همچون ایتکین، که بیش از ۵۰۰ دهکده را برسم اقطاع در تصرف داشت نمونه بارز این روند است. بعدها که سبکتکین در سال ۳۶۶ هجری سلسله غزنویان را بنیان نهاد، غزنویان جای سامانیان را گرفتند. اینان نیز در قلمرو خود کم و بیش روش سامانیان را ادامه دادند.

در مسیحیت بعد درباره سلجوقیان<sup>۵</sup> و روش اعطای اقطاعی آنان مطالب جامع و کاملی مورد بحث قرار می‌گیرد نویسنده در این باره می‌نویسد دوره‌ای که سلجوقیان به بسط فتوحات خود می‌پرداختند، قدرت آنان متکی بر قبایل ترکمان بود و محیط نشو و نما و آداب و عادات آنان بر دشت‌ها (استپ‌های) آسیای مرکزی تعلق داشت. با قدرت یافتن آنان نواحی وسیعی از امپراتوری خود را به عنوان اقطاع به پیروان خود بخشیدند. به نظر می‌رسد ترکان غز و سلجوق و مغول تمایل به زندگی شهرنشینی را نوعی محدودیت به شمار می‌آوردند، به عبارت دیگر این روش مخالف شیوه زندگی سنتی و روابط خویشاوندی آنان بود. بنابراین جای تعجب نیست که در دوره سلجوقیان نظام اقطاع داری رشد فزاینده یابد. نویسنده در این فراز مشکلات ترکان را در نظام اقطاعی این طور مطرح می‌کند که اقطاع داران بخصوص قبایل ترک بهر نحو ممکن از دادن خراج و مالیات سرباز می‌زدند و هر قدر که تولید اقطاعی رواج می‌یافت، جور و ستم مقطعان بر رعایا افزایش می‌یافت تا اینکه با روی کار آمدن اتابکان، اقطاعات رواج کامل یافت و سیاست‌های متمرکز دولتی از میان رفت. نویسنده محترم این نکته را یادآور نمی‌شوند که واحدهای سیاسی و اقتصادی مستقل اتابکی در ایران

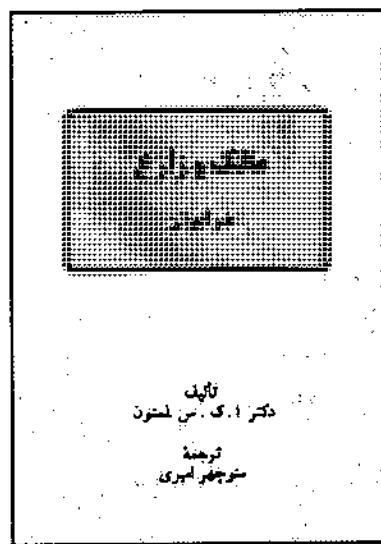
پس از مرگ ملکشاه با اهدا و واگذاری اقطاع به ملک‌های جوان معمول شد که در این صورت این اقطاعات توسط اتابک ملک مزبور اداره می‌گشت.

در این مبحث بر این نکته تأکید می‌شود که روش اعطای اقطاعات یک نحو نبود، در دوره سلاجقه انواع و اقسام اقطاعات، یعنی روشهای بهره‌برداری از زمین در ایران وجود داشته است که از آن جمله، اقطاع دیوانی، اقطاع لشکری، اقطاع شخصی، املاک شخصی، املاک سلطانی.

قسمت دیگر کتاب بحث پیرامون مغول و دست برداشتن از سنت می‌باشد، در این فراز نویسنده غلبه مغول، تأثیرات عظیم آن را بر نظام اجتماعی و اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد و در ادامه می‌نویسد که، این بلیه توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی را دچار وقفه ساخت وضعیت کشاورزی و شهرنشینی را دست خوش انحطاط نمود و تغییراتی را در نوع مالکیت‌های زمینداری بوجود آورد. بسیاری از زمینها به تصرف ایران مغول درآمد و بسیاری نیز به دیوان تعلق یافت. در این عصر رونق و پیشرفت انواع مختلف مالکیت ارضی و در عین حال سلسله مراتب فئودالی بچشم می‌خورد زیرا که اساس تصمیم اقطاع و سیورغال لشکری دادن آن به امیران تومان، هزاره و صده، در سلسله مراتب بزرگان لشکری بوده است و با بخشش ملک از طرف سلاطین همراه با مسئولیت‌های شبیه فئودالی رونق می‌یابد. اما بنیاد اقطاع در دوره ایلخانان، شرایط ویژه و ممتازی می‌یابد. اراضی به اقطاع نظای داده شد. (به هر واحد نظای اراضی اقطاعی واگذار گردید) اما از این زمان به بعد نظام اقطاع به تیول تبدیل گشت و همچنان شکل دیگری از سرزمینهای موروثی بدست خاندانهای بزرگ رسید. با کوشش رشیدالدین فضل الله، رفورم ارضی غازان خان، تا حدی بسو دهقانان ستمدیده تمام شد و بازسازی بخش کشاورزی آغاز گشت که تا اندازه‌ای اوضاع نابسامان مردم ایران و اقتصاد کشور را بهبود بخشید.

از دوره ایلخانان تا روی کار آمدن صفویان، اقطاع داری، در کنار تیولداری و مستقل از مرکز همچنان نقش مهمی داشت. این جریان نه فقط در توسعه هر چه بیشتر زمینداری فئودالی شخصی (ملک اربابی) بلکه در تقویت حاکمیت و استقلال تیولداران نیز منعکس می‌باشد.

استقلال اقتصادی تیولداری بزرگ، انگیزه‌ای برای استقلال سیاسی شد. در دوره‌ای که روابط تقریباً ناپایدار بین ایلات مختلف دولت ضعیف می‌شد و یا رو به زوال می‌رفت تمایلات گریز از مرکز نیز شدت می‌یافت و شورشهای مختلف در این و آن ایالت برای دولت تازه بعدی یعنی صفویان، در پایان قرن هفدهم تا ابتدای قرن هیجدهم دیگر امری عادی تلقی می‌شد. دولت صفویان که بنیاد حکومتشان بدست قزلباشان، شکل و تحکیم یافته بود تا زمان شاه عباس اول، در واقع حکومت قزلباشان نیز خوانده می‌شد، به همین دلیل تیولداری در این دوره به اوج خود رسید، طوایف



قزلباش، در سراسر کشور پراکنده و دارای تیول و اراضی و املاک پهناوری بودند و خود را از دیگران برتر و اصیل تر شمردند و از شاه در امور داخلی ایالت خویش فرمان نمی بردند. فقط در مواقع جنگ با تمام و یا قسمتی از سپاهیان مخصوص خود بیاری او می رفتند. از زمان شاه عباس اول، اختیارات نامحدود را از غلامان مخصوص خویش یا از فارسها و طوایف لر و کرد و جغتای به القاب خان و سلطان با تمام امتیازات مخصوص (قزلباش) بجای ایشان منصوب کرد و حکومت مرکزی را بر سراسر کشور مسلط گرداند. اما از این اواخر دوره شاه عباس اول، به دلیل ضعف حکومت مرکزی، اشکال دیوانسالاری و تیولداری به اوج خود رسید. حکام که خود به مثابه تیولداران بودند در زمان پادشاهی شاه سلطان حسین سالی یک بار مراسم (خلعت بری) انجام می شد. حکام در این دوره در حوزه خود اختیارات نامحدود داشتند و همچنین شاه محلی، رفتار می کردند. با هرج و مرج ناشی از ورود افغانه در ایران نادر سعی نمود با کوتاه کردن دست افغانه و همچنین دشمنان خارجی و حکام تیولدار و اقطاع دار داخلی، تمرکز قدرت را مجدداً احیا نماید. در این راه طوایف چادر نشین لر و کرد را در سال ۱۱۳۳، و در همان سال ملک محمود سیستانی، طوایف بلوچ و حاکم شیروان، که مدعی استقلال بود با بهره گیری از همان ایلات چادر نشینی آنانرا منکوب نمود و حتی ایلات قاجار و ترکمنها، را که آشوب می نمودند از بین برد. به هر حال نادر، در جهت تثبیت تمرکز قدرت، نظام چادر نشینی اقطاع دار و تیولدارانی که می رفتند در گوشه و کنار قدرت را بدست گیرند نه تنها سرکوب نمود بلکه با سیاستهای به متفرق نمودن، از قدرت آنان کاست و لذا تضاد حاصله را از میان برد. در این قسمت نویسنده روند حکومت را در زمان کریمخان مورد بحث قرار می دهد و می نویسد در این زمان کریمخان معیشت روستایی و شبانی به صورت سنتی در هم آمیخته بود و همواره امواج پیایی مهاجمان صحرائشین (تیولدار و اقطاع دار)، تلاش می نمودند که اساس جامعه کشاورزی شهر (دیوانی) را با کنفدراسیون زندگی متحرک شبانی در هم شکنند و جایجایی بوجود آورند. در هر صورت اساس توانایی های ایلاتی که بر اثر تلاش صفویان متحول شده بود بوسیله نادر و کریمخان ادامه یافت. این امر تا پایان حکومت قاجار همچنان ادامه داشت.

مبحث بعد دوره مشروطیت و روی کار آمدن رضا شاه را در بر می گیرد، نویسنده اعطای مشروطیت در ۱۹۰۶ [۱۳۲۴ هـ.ق] «نشانه دوران تازه ای از تاریخ روابط میان طبقات مختلف اعم از مالک و متصرف زمین است. با افتتاح مجلس شورای ملی در ۱۹۰۷ (۱۳۲۵ هـ.ق)، تعیین کمیسیونی، برای مطالعه در مسأله اصلاحات اقتصادی بود در ارتباط کامل با مسأله زمین داری و نحوه اداره کردن امور مالیات ارضی انجام گرفت که حاصل کار کمیسیون چهار قدم اصلاحی بزرگ بود که تمام آن در مسأله زمین داری و وظایف مختلف که بر عهده زمین داران بود سخت مؤثر افتاد از این اقدامات

چهارگانه، نفو تیولداری، بیش از همه جالب توجه است. نویسنده راجع به تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی و مواد قانونی آن توضیحاتی می آورد، سپس این قسمت همچنین روی کار آمدن رضا خان در صحنه سیاسی ایران را مورد تاکید قرار می دهد و در ادامه می نویسد تأسیس ادارات مالیه و تنظیم امور پرداخت، بموجب قانون ۲۰ دی ۱۳۰۴، ممیزی املاک موسوم به (قانون املاک اربابی و دواب) مالیات ارضی یکسانی را در سراسر کشور برقرار نمود و مبنای آن جمع کل محصولی بود که می بایست بوسیله ممیزی جدید تعیین می شد. با تشکیل اداره کل ثبت املاک و اسناد و قوانین مربوط به آن بسیاری از زمینها بِنفع دولت مصادره و به املاک خالصه یا سلطنتی تغییر یافت.

مباحث دیگر کتاب پیرامون قانون مدنی (حریم، هبه، حق شفعه، وصایا، ارث، اراضی موات، جنگلها، مزارعه، نحوه آبیاری، تقسیم آب از قنات، چشمه، رودخانه ها، اوقاف و کاربرد آن در زمینهای وقفی در ولایات مختلف ایران، زمینهای خالصه و قوانینی مربوط به آن در ۱۴ ماده، املاک اختصاصی در اواخر سلطنت رضا شاه، عمده مالکان و روابط مالک و زارع، خرده مالکان و میزان مال الاجاره، گندم و پراخت مزد خدمتگزاران محلی، گله ها و چراگاهها، مسائل و مشکلات زارع، دامداری و سطح زندگانی او، به طور جامع و کامل مورد بحث قرار می گیرد.

این کتاب با بهره گیری از منابع معتبر دوره های مختلف تاریخ ایران اعم از خارجی و ایرانی بسیار مفید و قابل استفاده برای اهل تحقیق و همه مشتاقان تاریخ ایران می باشد در پایان می توان گفت این کتاب در نوع خود بی نظیر و عالمانه است.

فهرست منابع:

- ۱- واژه اقطاع در ابتدا عنوان واگذاری داشت بعبارت دیگر به معنی ملک و زمین واگذاری اطلاق شده است
- ۲- اقطاع التملیکی: قطعه زمین مورد اقطاع بر سه قسم بوده است ۱- باهر و متروک ۲- دایر و آباد ۳- مارن
- ۳- اقطاع الاستقلال: بر دو قسمت است ۱- عشری ۲- خراج. اما این حمامه قائل به نوع سوم اقطاع می باشد بنام اقطاع الارفاق، که شامل اعطای معادن، واگذاری راهها و بازار می باشد
- ۴- خالد برمکی در دل سفاح منزلی عظیم داشت تا حدی که روزی با خالد گفت راضی نشدی تا مرا ختمکار خود ساختی
- ۵- تاریخ ایران، نویسندگان روس، ترجمه کریم کشاورز ص ۲۰۹.
- ۶- عصر سلاجقه را که در ایران از سال ۳۳۹ هـ.ق تا اواخر قرن ششم بطول انجامید می توان به دو دوره تقسیم نمود دوره نخست تا پایان حکومت سنجر ۵۵۱ که پایان دوره سلاجقه بزرگ است. از خصوصیات این دوره، به رسمیت شناختن مالکیت بافقلم در مقابل مالکیت حقیقی است. مرکزیت در این دوره نیرومند است. دوره دوم از سال ۵۵۲. در این دوره اقطاع رواج کامل یافت و واحدهای سیاسی و اقتصادی محلی در ایران پدید آمدند.
- ۷- رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ، نسخه استانبول ص ۴۰.
- ۸- طوایف قزلباش از نه قبیله، روملو - شاملو، استاجلو، تکلو، ذوالقدر افشار، قاجار، وارساق و صوفیه قرهباغ تشکیل یافته بودند